

دوفصلنامه علمی مطالعات قدرت نرم، سال دهم، شماره دوم (پیاپی ۲۳)، پاییز و زمستان ۱۳۹۹

صص ۲۴۴-۲۱۱

مهاجران و ظرفیت های پیشرفت؛ هم افزایی قدرت نرم ایران و افغانستان

نوع مقاله: پژوهشی

محمدرضا شرف، حبیب اله فاضلی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۲/۰۹

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۱/۲۵

چکیده

مهاجرت همواره یکی از دلایل اصلی بشر برای سازگار شدن با مشکلات اطرافش بوده است. مهاجران افغانستانی بزرگترین جمعیت مهاجر ساکن ایران را شکل داده اند. حضور مهاجران افغانستانی در کنار مشکلاتی که به همراه داشته، فرصت هایی را نیز برای هر دو کشور به وجود آورده است. این مقاله در صدد است با دیدگاهی توصیفی و تحلیلی به شکل کتابخانه ای از منابع مختلف اینترنتی و غیر اینترنتی به بررسی ظرفیت های مختلف اقتصادی، فرهنگی، فردی و سیاسی حضور مهاجران افغانستانی که در هم افزایی قدرت نرم ایران و افغانستان موثر است بپردازد. نتایج مطالعه حاضر نشان میدهد که حضور مهاجران و کارگران افغانستانی میتواند در رونق تولید، پیشرفت اقتصادی و پیوند دو ملت و ارتقای ظرفیت های فرهنگی هر دو کشور موثر عمل کند. مهاجران روابط تجاری بین دو کشور را گسترش میدهند، انتقال ارزش های فرهنگی را تسهیل میکنند و در نتیجه منجر به هم افزایی قدرت نرم دو کشور در عرصه منطقه ای و بین المللی خواهند شد.

واژه گان کلیدی: مهاجران، افغانستان، قدرت نرم، روابط فرهنگی، رونق اقتصادی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱- دانشجوی دکتری رشته علوم سیاسی (سیاستگذاری عمومی)، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲- استادیار گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

مقدمه

مهاجرت پدیده‌ای است که در دو عرصه بین‌المللی و داخلی رایج است و هرساله میلیون‌ها نفر با انگیزه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، زیست‌محیطی و فرهنگی دست به مهاجرت به خارج از مرزهای کشورشان می‌زنند. افغانستان پس از سوریه بیشترین تعداد پناهندگان به کشورهای اطراف (عمدتاً ایران) در جهان را دارد. نزدیکی ایران و پاکستان به افغانستان عمده‌ترین دلیل مهاجرت آنها به این کشورها است (UNHCR, 2019:1; UNION-Migration, 2020:1). هرساله هزاران نفر از مردم این کشور به دلایل آشفته‌گی‌های سیاسی، جنگ داخلی و مسائل مربوط به طالبان، کمبود ظرفیت‌های اقتصادی و... به خارج از مرزهای کشورشان رهسپار می‌شوند و ایران از دیرباز به عنوان مهم‌ترین مقصد مهاجرت مردم افغان شناخته می‌شده است. با توجه به همجواری ایران و افغانستان، مهاجرت افغانستانی‌ها به ایران پدیده‌ای جدید نیست، قدمت دیرینه‌ای دارد و ارتباط تنگاتنگی با پدیده‌هایی چون جنگ، ناامنی، فقر و بیکاری دارد. در افغانستان عوامل دافعه و طردکننده بسیاری وجود دارد. جنگ به عنوان اولین عامل طردکننده در طول ۳۰ سال در این کشور در جریان بوده است که به دنبال آن فقر و بیکاری گسترده‌ای در سطح کشور گسترده شده است. علاوه بر اینها فساد شدید اداری، تبعیض‌ها، اختلافات شدید طبقاتی، اختلافات قومی و قبیله‌ای و... از جمله مهمترین دلایل مهاجرت افغانستانی‌ها به ایران شناخته می‌شود. امروزه میلیون‌ها مهاجر و پناهنده افغانستانی در سراسر ایران پراکنده شده‌اند و بر اساس تئوری مهاجرت راونشتاین ایران را که نزدیک‌ترین و در دسترس‌ترین مقصد غنی و امن موجود بوده است را برای مهاجرت انتخاب کرده‌اند. ایران به عنوان کشوری با زبان مشترک (فارسی)، مذهب و فرهنگ مشترک، آیین‌های

مشترک (عزاداری، ازدواج، نوروز و...) و داشتن موقعیت اقتصادی رفاهی بهتر از افغانستان، همواره برای افغانستانی ها مقصدی جذاب بوده است (یوردخانی، ۱۳۹۱: ۳۸)

اگرچه سرعت بالای مهاجرت می تواند در کوتاه مدت مشکلات سیاسی- امنیتی، اجتماعی و اقتصادی مهمی را برای کشور مقصد ایجاد کند، اما مطالعات نشان داده است که در طولانی مدت، پیوند میان دو کشور را تقویت می کند. افزایش نیروی کار جوان ناشی از ورود مهاجران بر رونق تولید و اقتصاد کشور و افزایش قدرت سیاسی اقتصادی آن در مقابل سایر کشورها تاثیر بسزایی دارد، میتواند روند نوسازی و توسعه را تسریع بخشیده، ظرفیت های نوینی برای پیشرفت کشور فراهم آورد، جایگاه کشور را در مقابل سایر کشورها ارتقا دهد (Dustmann, Frattini, & Halls, 2010:36) و مهم تر از همه امکان هم افزایی قدرت نرم دو کشور را فراهم آورد. هم افزایی^۱ یک تعامل یا همکاری است که باعث ایجاد یک کل می شود که از مجموع ساده قطعات آن بیشتر است. اصطلاح هم افزایی از واژه ای یونانی^۲ به معنی "کار با هم" آمده است. در واقع حضور مهاجران افغان در کشور ایران با وجود مشکلات و مخاطراتی نظیر افزایش جرم و جنایت، اشغال بازار کار و سرمایه و... که به همراه داشته است، همکاری بین دو کشور را افزایش داده است و امکانات و ظرفیت هایی برای پیشرفت فراهم کرده است که با وجود اهمیت اساسی که دارد در کمتر مطالعه ای مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. عمده مطالعاتی که تا کنون صورت گرفته است، تبعات منفی حضور افغانستانی ها در ایران را مورد بررسی قرار داده اند و ظرفیت های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، امنیتی، فرهنگی و... حضور این مهاجران مد نظر پژوهشگران قرار نگرفته است. سوال اصلی مورد بحث در این

¹ Synergy

² synergos

مقاله این است که مهاجرت افغانستان به ایران امکان استفاده از چه ظرفیت‌ها و نقاط قوتی در جمهوری اسلامی ایران را در افزایش قدرت نرم افغانستان فراهم میکند و متقابلاً این مهاجران چه ظرفیت‌هایی برای افزایش قدرت نرم ایران به وجود می‌آورند؟ از این رو مقاله حاضر در پی آن است که به صورت توصیفی و تحلیلی، با روش کتابخانه‌ای و فیش برداری، ظرفیت‌های مهاجرین افغانستانی که منجر به پیشرفت و هم‌افزایی قدرت نرم ایران و افغانستان میشود را از ابعاد و جنبه‌های مختلف، مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار دهد.

اهداف و پرسش‌های پژوهش

با توجه به توضیحات فوق، هدف مقاله حاضر بررسی همه‌جانبه ظرفیت‌های پیشرفت ناشی از حضور مهاجران افغانستانی در ایران است. بدین منظور فواید حضور مهاجران افغانستانی از جنبه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی و فرهنگی مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد تا مسائلی که میتواند در هم‌افزایی، همکاری و پشتیبانی ایران و افغانستان از یکدیگر، تقویت ارتباطات بین دو کشور و افزایش قدرت نرم هریک از این دو مفید باشد مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد.

پیشینه پژوهشی

عمده مطالعاتی که تا کنون صورت گرفته است بر معایب حضور مهاجران افغانستانی در ایران تاکید دارند به طور مثال در مطالعه امامی و تاج‌الدین به تحلیل اثرات مهاجرت افغانستانی‌ها بر آسیب‌های اجتماعی و اقتصادی در ایران پرداختند و نتیجه گرفتند که حضور مهاجران افغانستانی می‌تواند منجر به بروز مشکلات اجتماعی از جمله؛ بروز نابسامانی‌های خانوادگی، مشکلات بهداشتی، بزهکاری و ناهنجاری‌های اجتماعی، ازدواج‌های غیرقانونی و ثبت‌نشده و کودکان فاقد شناسنامه شود. و همچنین این حضور باعث ایجاد مشکلات اقتصادی می‌گردد، که مهمترین

آن مساله اشتغال اتباع خارجی به جای شهروندان ایرانی است (امامی تاج الدین و جهانی، ۱۳۹۸: ۹۷). در مقاله حسینی و همکاران (۱۳۹۷)، ورود مهاجران افغانستانی و میزان و شدت اثرگذاری فشار مهاجران بر نیروهای طرف عرضه در بازار کار ایران با استفاده از الگوی خودرگرسیونی با وقفه های تاخیری در دوره ۱۳۹۳ - ۱۳۵۸، مورد بررسی و آسیب شناسی قرار گرفته است. نتایج مطالعه نشان میدهد که افزایش مهاجرت از طریق فشاری که بر عرضه نیروی کار ایجاد میکند، منجر به تشدید بیکاری در بازار کار ایران میشود (حسینی، باصری و عباسی، ۱۳۹۷: ۲۱۱). عیسی زاده و مهرانفر در مطالعه ای که با استفاده از داده های سری زمانی و روش حداقل مربعات معمولی در اقتصادسنجی، به بررسی تأثیر حضور مهاجران افغانستانی بر نرخ بیکاری کل ایران پرداخته اند و نشان داده اند که مهاجران افغانستانی که عمدتاً کارگران غیرماهر و غیرقانونی هستند، مشاغل سخت و طاقت فرسا را با دستمزدهای پایین انجام میدهند و می توانند با نیروی کار غیرماهر داخلی رقابت کنند. نتیجه مطالعه نشان داده که در طی مدت زمان بررسی از سال ۱۳۵۵ تا ۱۳۸۵، حضور مهاجران افغانستانی در بازار کار ایران، نرخ بیکاری کل کشور را افزایش داده است. در واقع، آنها جانشین نیروی کار ایرانی شده و فرصت های شغلی را تسخیر کرده بودند (عیسی زاده و مهرانفر، ۱۳۹۲: ۹۹). در مطالعه ای توسط کریمی موغاری برای تخمین تاثیر مهاجرین افغان بر نرخ بیکاری از معادلات رگرسیونی تخمین زده شده استفاده شد. نتایج این محاسبات نشان داد که کارگران افغانستانی در استانهای پر رونقی همچون تهران، اصفهان، خراسان مشغول به کار شده اند که تقاضا برای نیروی کار ساده در آنها بالا بوده است و باعث شده اند نرخ بیکاری جمعیت ایرانی در کل کشور بالا رود (کریمی موغاری، ۱۳۸۳: ۴۳).

برخی مطالعات نیز به وجود تشابهات فرهنگی بین ایرانیان و مهاجران افغانستانی که میتواند زمینه ساز ارتباط و هم کاری بین این دو گروه باشد، پرداخته اند. به طور مثال بشیر و کاشانی در

مطالعه ای با بررسی ارتباطات میان فرهنگی افغان های مقیم ایران با ایرانیان بر پایه نظریه هم فرهنگی بیان نمودند که با توجه به زبان، دین مشترک در میان این دو ملیت وجود تشابهات فرهنگی نیز می تواند موجب احساس غربت و بیگانگی کمتری را به مهاجران و جامعه میزبان القا کند با این حال تجربیات دهه های اخیر نشان داده است که علیرغم حضور سه نسل از مهاجران افغانستانی در کشور تجربه های تلخی در تعاملات و ارتباطات گروه های دوستی، کاری، اجتماعی و... تجربه کرده اند. (بشیر و کشانی، ۱۳۹۸: ۱۲) موسوی در مطالعه ای که روی نسل دوم مهاجران افغانستانی ساکن ایران انجام شده بود نتیجه گرفت بین نسل دوم مهاجران با والدین شان از نظر فرهنگ و بافت فرهنگی تفاوت های حاصل شده و نسل جدید بسیار به ایرانیان نزدیکتر هستند. این انطباق فرهنگی میتواند زمینه ارتباط مردم دو کشور را بیشتر کند (موسوی، نادری و فیاض، ۱۳۹۹: ۱۸). میرزایی در مطالعه ای انطباق نسل دوم و سوم مهاجران افغانستانی که در مدارس و دانشگاه های ایران تحصیل کرده اند را با فرهنگ ایرانی مورد بررسی قرار داده و نتیجه گرفته است که مدارس و دانشگاه ها بهترین مکان برای جامعه پذیری و ادغام مهاجران در ایران قلمداد هستند و باعث شده اند نسل مهاجر تحصیل کرده که قصد بازگشت به افغانستان را ندارد، بهتر از نسل تحصیل نکرده توانسته است با سیاست گذاری های جمهوری اسلامی ایران، به خصوص از دیدگاه اقتصادی و فرهنگی-اجتماعی، هم رنگ گردد که این موضوع اثرات خود را در جامعه ایران و افغانستان نشان داده است (میرزایی، ۱۳۹۶: ۴۳). جان پرور و همکاران در پژوهش خود به تحلیل توافقنامه های بین دانشگاهی دانشگاه فردوسی مشهد با دانشگاه های کابل، قندهار، هرات، موسسه عالی اشراق و دانشگاه بلخ حاکی از قابلیت های اساسی دانشگاه فردوسی مشهد در عرضه خدمات آموزش عالی فراملی از تبادل استاد و دانشجو گرفته تا راه اندازی دوره کارشناسی ارشد و تاسیس یک شعبه دانشگاهی پرداخته اند و در نهایت نشان داده اند که ایران

می تواند از همکاری های آموزشی برای ارتقای روابط با دولت و ملت استفاده بکند (جان پرور، صالح آبادی و نادری چنار، ۱۳۹۷: ۱۳۱). عباسی در مقاله ای بیان کرده است که عناصر ژئوپلیتیکی از جمله ژئوپلیتیک مرزها، مواد مخدر، مهاجرت، قومیتها، استانهای مرزی و راههای مواصلاتی بین ایران و افغانستان به همان میزان که سبب ساز تهدیدات امنیتی مشترک شده است، به همان میزان فرصت های مشترکی برای همکاری بین دو کشور ایجاد کرده است که منطبق با ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک روابط دو کشور را در دوره نوین شکل می دهد (عباسی، ۱۳۹۱: ۱۸۲). بنا بر این با وجود اینکه مطالعات پیشین با دیدگاهی انتقادی و یا خوشبینانه به بررسی ابعاد مختلف حضور مهاجران افغانستانی بر وضعیت اشتغال، اقتصاد، فرهنگ، امنیت ملی و ... پرداخته اند، هیچیک از مطالعات مذکور تا کنون به بررسی ظرفیت های این مهاجران در هم افزایی قدرت سیاسی، اقتصادی، امنیتی، فرهنگی و در نهایت هم افزایی قدرت نرم هر دو کشور که از مهمترین اهداف سیاست خارجی هریک از کشورها محسوب میشود نپرداخته اند. عمده مطالعات انجام شده تا کنون تک بعدی بوده و تنها از دیدگاه یک طرفه - منفعت و یا ضرر برای جمهوری اسلامی ایران - به پدیده حضور مهاجران افغانستانی نگاه شده است. با این حال در این مقاله تلاش شده است ظرفیت هایی که پدیده حضور مهاجران برای هر دو کشور پدید می آورد مورد کاوش قرار گیرد.

چهارچوب نظری پژوهش

موضوع مهاجرت پدیده ای میان رشته ای است و تا کنون از جوانب مختلف اقتصادی، اجتماعی، سیستمی و سیاسی مورد بررسی قرار گرفته است. بر این اساس انواع مختلفی از نظریه ها برای تشریح مهاجرتها و دلایل آن مطرح شده اند (Brettell & Hollifield, 2014:247). دانشمندان علوم سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و سایر اندیشمندان هریک از

دیدگاه نظری خود به پدیده مهاجرت نگریسته اند و بر اساس اینکه مهاجرت را از چه بعدی مورد بررسی قرار میدهند، نظریات خود را پرورانده اند. به همین دلیل هنوز نظریه واحدی که بتواند به صورت جامع و یکپارچه مهاجرت را تحلیل کند ارائه نشده است و هر یک به بخشی از مبانی مهم آن پرداخته‌اند. یکی از نظریه‌هایی که با وجود قدمت طولانی که دارد هنوز در بین نظریه پردازان مورد پذیرش است نظریه مهاجرت راونشتاین است. راونشتاین معتقد است مهاجران اغلب از مکانهایی با فرصت‌ها و امکانات شغلی کمتر به مکان‌هایی با فرصت‌های شغلی غنی‌تر مهاجرت میکنند. افراد ترجیح میدهند به مکان‌های نزدیکتر مهاجرت کنند، مگر اینکه نسبت سودی که از کشورهای دورتر عایدشان میشود بسیار بیشتر باشد. انگیزه اقتصادی در مهاجر هرچقدر پررنگ‌تر باشد، تمایل او به مهاجرت، حتی در فواصل طولانی‌تر بیشتر خواهد شد (Grigg, 1977:49; Ravenstein, 1889:248).

بر اساس این نظریه دو دسته عوامل جاذبه در مقصد و دافعه در مبدا در پیدایی مهاجرت تاثیر دارند. عوامل جاذبه، عوامل جذاب موجود در مقصد هستند که مهاجرین را ترغیب به سفر و اقامت در مقصد میکنند و عوامل دافعه، عوامل منفی اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و... در مبدا هستند که افراد را ترغیب به ترک کردن آنها میکند. رشد امکانات، بهبود حمل و نقل، توسعه ارتباطات، پیشرفت صنعت تکنولوژی و تجارت رابطه مستقیمی با میزان تمایل به مهاجرت به کشور مقصد دارد.

راونشتاین بیان میکند که اغلب فاصله تکنولوژیکی بین نقطه مقصد و نقطه مبدا بسیار مشخص است و کشورهای مهاجر پذیر در پیشرفت صنعت و تکنولوژی بسیار بهتر از

کشورهای مهاجر فرست عمل کرده اند. راونشتاین قوانینی کلی برای مهاجرت برمی شمرد که عبارتند از (Grigg, 1977:51; Ravenstein, 1889:263):

≠ مهاجرت و فاصله: رابطه معکوسی بین میزان مهاجرت بین دو نقطه و فاصله آن دو وجود دارد به صورتی که هرچه فاصله بین دو نقطه بیشتر شود احتمال مهاجرت از مبدا به مقصد کمتر میشود.

≠ مهاجرت مرحله ای: مهاجرت معمولا پله پله اتفاق می افتد بدین صورت که مهاجران در ابتدا از روستا به شهر کوچک، از شهر کوچک به شهرهای بزرگ و سپس از شهرهای بزرگ به سایر کشورها مهاجرت میکنند. تازمانی که نیروهای جاذبه در شهرها و مراکز صنعتی وجود دارد، این اتفاق جریان خواهد داشت

≠ جریان و ضد جریان: هر منطقه میتواند علاوه بر مهاجر فرست بودن، خود نیز مهاجر پذیر باشد. همانطور که بسیاری افراد از روستا به شهر مهاجرت میکنند، مهاجرت در جریان عکس آن یعنی از شهر به روستا نیز در جریان است.

≠ اختلاف تمایل روستایی و شهری به مهاجرت: معمولا تمایل روستاییان به مهاجرت به شهرها بیشتر از تمایل شهریان به مهاجرت است.

≠ تاثیر تکنولوژی و ارتباطات بر مهاجرت: هرچه رشد تکنولوژی و ارتباطات بیشتر باشد، میزان مهاجرت نیز افزایش خواهد یافت.

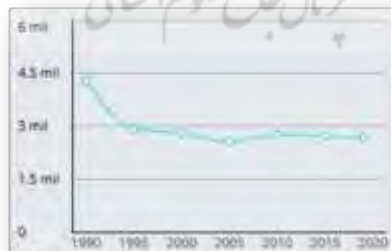
≠ انگیزه اقتصادی: عامل اقتصادی به عنوان مهمترین انگیزه مهاجرت شناخته میشود
≠ مهاجرت زنان: عمدتا زنان در فاصله مسافتی کوتاه تر مهاجرت میکنند.

روش پژوهش

این مطالعه یک مطالعه توصیفی- تحلیلی از نوع مطالعه موردی است که در بهار سال ۱۴۰۰ به شکل کتابخانه ای از منابع مختلف اینترنتی و غیر اینترنتی و به روش فیش برداری انجام شده است. در روش توصیفی- تحلیلی و از نوع موردی، محقق وضع موجود در یک مورد بخصوص را بررسی می کند و به توصیف منظم و نظام دار وضعیت فعلی و مولفه های به وجود آورنده ی آن می پردازد و ویژگی ها و صفات آن را مطالعه و در صورت لزوم ارتباط بین متغیرها را بررسی می نماید. پژوهش کیفی حاضر از نظر هدف و ماهیت مطالعه ای کاربردی و اکتشافی طبقه بندی میگردد که میتوان از نتایج آن در تصمیمات فرادستی استفاده کرد.

یافته های پژوهش

طبق گزارش جهانی مهاجرت که در سال ۲۰۲۰ منتشر شد. ایران جزو ده کشور اول آسیایی پناهنده پذیر در جهان است که عمده ترین پناهنده های ورودی آن از کشور افغانستان است. در سال ۲۰۱۹ ایران میزبان ۲,۷ میلیون نفر مهاجر بوده است که از این میان ۲,۳ میلیون نفر از این مهاجران افغانستانی، ۸۴,۱ هزار نفر عراقی و ۲۷,۹ هزار نفر پاکستانی بودند. ایران در سال ۱۹۹۰ میزبان ۴,۳ میلیون مهاجر بود. از سال ۲۰۱۰ به این سو تعداد مهاجران بین المللی در ایران روند نسبتاً ثابتی را تجربه کرده است (UNION-Migration, 2020: 4)



شکل ۱ روند تعداد مهاجران در ایران از سال ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۹ (منبع: سعادت، ۱۳۹۹)

نرخ خالص مهاجرت^۱ در کشور در سال ۲۰۲۰ برابر با منفی ۰,۷ بود که بدین معنی است که در این سال میزان خروج افراد از کشور (افراد بومی یا غیر بومی) و مهاجرت به خارج از کشور بسیار بیشتر از تعداد مهاجرین به داخل بوده است. از طرفی میزان خالص مهاجرت^۲ نیز منفی ۲۷۵ هزار نفر بوده است که بدین معنی است که در سال ۲۰۲۰، حدود ۲۷۵ هزار نفر بیشتر از تعداد افراد ورودی به کشور از کشور خارج شده اند. (سعادت، ۱۳۹۹: ۲)

مهاجرت و پناهندگی از افغانستان به سایر کشورها از ۲,۶ میلیون نفر در سال ۲۰۱۷ به ۲,۷ میلیون نفر در سال ۲۰۱۸ افزایش پیدا کرده است که این رقم افزایش عمدتاً به دلیل افزایش زاد و ولد افغان ها در طول سالیان اخیر است و عمده مهاجرین این کشور به ایران پناهنده شده اند. بر اساس گزارش سال ۲۰۱۸ با اینکه نرخ پناهنده پذیری و میزبانی ایران چندین برابر نرخ پناهندگی و مهاجرت ایرانیان بوده است. در سال ۲۰۱۸ تعداد پناهندگان افغانستانی ساکن در ایران که دارای اجازه نامه رسمی پناهندگی هستند به ۱ میلیون نفر رسیده است که این موضوع ایران را به ششمین کشور پناهنده پذیر جهان تبدیل کرده است (UNHCR, 2019:3)

مطالعات نشان میدهد که به طور کل تا کنون، حدود ۳/۹ میلیون افغانستانی به دلیل مسایل مختلف اعم از هرج و مرج و خشونت داخلی به کشورهای اطراف (عمدتاً ایران و سپس پاکستان) پناهنده شده اند. با این حال تعداد قابل توجهی از این افراد به کشور خود

^۱ نرخ خالص مهاجرت شاخصی است که سازمان جهانی مهاجرت برای سنجش میزان مهاجرت در کشورهای گوناگون تعیین کرده است. نرخ خالص مهاجرت شاخصی است که در آن تعداد مهاجران ورودی به یک کشور از تعداد کل مهاجران خروجی از آن کشور (چه شهروند آن کشور باشند و چه نباشند) کم می شود و به دست می آید. این عدد به ازای هر ۱۰۰۰ نفر از جمعیت بیان میشود

^۲ میزان خالص مهاجرت از تفریق تعداد مهاجران خروجی از یک کشور از تعداد مهاجران ورودی به آن کشور به دست می آید.

بازگشته اند. افغانستان پس از سوریه بیشترین تعداد پناهندگان به کشورهای اطراف (عمدتا ایران) در جهان را دارد. و نزدیکی ایران و پاکستان به افغانستان عمده ترین دلیل مهاجرت آنها به این کشورها است (UNHCR, 2019; UNION-Migration, 2020)

امروزه مهاجران نسل دوم و سوم افغانستانی که عمدتاً کل و یا بیشتر عمر خود را در ایران سپری کرده اند کمتر به فکر بازگشت به کشور خود هستند. بیش از ۶۰ درصد مهاجرین افغانستانی که در حال حاضر در ایران زندگی میکنند، در ایران متولد شده اند. حدود چهار دهه از زمان حضور مهاجران می گذرد. مهاجران نسل اول غالباً با خانواده وارد ایران شدند و در ایران فرزندان به دنیا آوردند و با توجه به الگوی باروری بالایی که بعد از انقلاب حتی در بین ایرانی ها وجود داشت مهاجرین نیز سطح باروری شان از ایرانی ها بالاتر رفت و فرزندان که در ایران به دنیا آمدند بیشتر از تعداد افرادی بودند که به شکل مهاجر وارد ایران شده بودند به همین دلیل پس از گذشت چهار دهه، در ایران با جمعیتی روبرو هستیم که در تعریف مهاجر نمی گنجد این ها کسانی هستند که در ایران با متولد شده اند و به عنوان نسل دومی ها و سومی ها محسوب می شوند. این نسل ها در کنار دانش آموزان ایرانی به مدرسه رفته و تحصیل کرده اند. بسیاری از این افراد به تحصیلات تکمیلی راه یافته اند. در بدو ورود افغان ها به ایران تنها ۶٪ این افراد سواد خواندن و نوشتن داشتند اما امروزه ۷۰ درصد نسل دوم مهاجران افغانستانی تحصیل کرده هستند (کشاورز قاسمی و نادرپور، ۱۳۹۹: ۱۲۶). علاوه بر تحصیلات بسیاری از آنها در طول سالهای زندگی خود آموزش های مهارتی دیده اند بسیاری از مهاجرین نسل دوم و سوم به دلیل پایین بودن سطح اقتصادی خانواده ها، در کنار کسب علم به یادگیری خیاطی، بنایی، مکانیکی و... مشغول شدند و به عنوان نیروی کار ماهر شناخته میشوند. تجربه چهار دهه

زندگی مهاجران افغانستانی در ایران تغییرات زیادی برای آن‌ها در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی به همراه داشته است. مقایسه وضعیت افغانستانی‌ها در ایران با همتایان‌شان در افغانستان این تغییرات را به خوبی نشان می‌دهد. با این وجود، بسته به سیاست‌های دولتی در ارائه خدمات و پذیرش مهاجران در برخی حوزه‌ها، نظیر آموزش و بهداشت، ادغام مهاجران با سرعت قابل توجهی همراه بوده است و تغییرات رخ داده بسیار محسوس است. اما در سایر حوزه‌ها و قلمروها نظیر تابعیت، اشتغال و بازار کار، مهاجران الگوی ادغام ناقص و جزئی داشته‌اند (صادقی، ۱۳۹۶: ۱)

ظرفیت های مهاجران افغانستانی و هم‌افزایی در ارتقای قدرت نرم

با وجود تمام مشکلاتی که وجود و حضور اتباع خارجی بویژه مهاجران هم‌تبار افغانستانی‌ها برای ایران داشته است، میتوان به این مسأله به صورت یک فرصت‌نگریست و از ظرفیت های اقتصادی، فرهنگی و فردی مهاجران برای بهبود وضعیت دو کشور، و تحکیم پیوند ایران و افغانستان استفاده کرد. مطالعه تاریخیچه کشورهای توسعه یافته ی مهاجر پذیر به خوبی حاکی از اهمیت و امکان استفاده از چنین فرصتی است.

امروزه ارتقای قدرت نرم از اهداف سیاسی کلیه کشورهای جهان شناخته میشود. مفهوم قدرت نرم در سلسله مراتب بحث های علمی و سیاسی در مورد امور خارجه در سال های اخیر به طور قابل توجهی افزایش یافته است. در سیاست (و به ویژه در سیاست بین الملل)، کشوری که قدرت نرم بالایی دارد به جای اعمال زور و اجبار بر سایر ملت ها، قدرت جذب و تعامل با آنها را دارا است. به عبارت دیگر، قدرت نرم شامل شکل دادن به ترجیحات دیگران از طریق ایجاد جذابیت است. یکی از ویژگی های مشخص کننده قدرت نرم این است که قدرت نرم، قدرتی قهری نیست. شاخص های سازنده قدرت نرم

یک کشور شامل فرهنگ، توان اقتصادی و علمی، ارزشهای سیاسی و سیاستهای خارجی است. قدرت نرم به توانایی جذب دیگران اشاره دارد، توانایی که منجر به نفوذ در افکار عمومی مردم سایر کشورها میشود. بر اساس نظر نای، مبدع نظریه قدرت نرم؛ «قدرت نرم نه زور است و نه پول». در قدرت نرم، کشورها تلاش میکنند روی ذهنیتها سرمایه گذاری کنند. به بیان دیگر قدرت نرم را میتوان مجموعه ای از قابلیتها و تواناییهای کشور دانست که با استفاده از ابزاری چون فرهنگ و یا ارزشهای اخلاقی به صورت غیر مستقیم بر منافع یا رفتار دیگر کشورها اثر میگذارد. نای منابع قدرت نرم را در ایدئولوژی، فرهنگ جاذب، وابستگی متقابل و ارتباطات میداند (Jr, 2004:349) حفظ یکپارچگی دولت، گسترش ارزشها، ایدهها، ایجاد رونق اقتصادی، ارتقای امنیت ملی، حمایت از وجهه ملی و توسعه قدرت اهداف مشترکی است که تمامی حکومتها متناسب با امکانات خودشان، تلاش میکنند به آنها برسند اما میزان موفقیت شان ارتباط مستقیم با سطح توسعه و قدرت نرم بین المللی شان دارد.

ظرفیت های سیاسی و فرهنگی مهاجران افغانستانی

امروزه مهاجرت به یکی از ابعاد اصلی روابط دیپلماتیک در کشور های مهاجر پذیر تبدیل شده است. کشورهای مهاجر پذیری همچون کانادا، ایالات متحده آمریکا، آلمان، استرالیا و... از پدیده جذب مهاجر برای افزایش قدرت نرم خود در جهان بهره میبرند. کشوری که توان جذب نیروی مهاجر را دارد، به سادگی میتواند بر افکار عمومی مردم سایر کشورها تاثیر گذاشته و ارزشها و فرهنگ خود را به خارج از مرزهای خود ارسال کند. مهاجر پذیری می تواند به سبب افزایش نیروی کار و رونق تولید، منافع اقتصادی قابل توجهی برای کشور به همراه داشته باشد، بازار کار انعطاف پذیرتری ایجاد کند و تنوع

بیشتری در نوآوری به وجود بیاورد. کلیه این مسائل بر توان نفوذ یک کشور بر کشورهای مهاجر فرست می افزاید (Adamson & Tsourapas, 2019:870).

روابط فرهنگی بین مردم ایران و مردم افغانستان که در یک بستر طبیعی بدون دخالت مستقیم دولت به وجود آمده یا دوام یافته است، شامل تبادلات توریستی، دانشجویی، ارتباطات، گردش کتاب، مهاجرت، دسترسی به رسانه ها و ازدواج های فرامرزی؛ به حفظ و گسترش دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران بسیار کمک میکند. در سال ۲۰۱۷ افغانستان تعداد حدودا ۲۹ هزار و ۷۰۰ دانشجوی بین المللی داشت که از این میان بر اساس آمارهای منتشره وزارت علوم جمهوری اسلامی ایران حدود ۱۳ هزار نفر در دانشگاه های ایران مشغول به تحصیل بودند. (سعادت، ۱۳۹۹: ۳)

دیپلماسی فرهنگی از محورهای اصلی و مهم دیپلماسی عمومی قلمداد می شود و عبارت است از هنر ارائه عقاید و ارزشهای یک ملت به بهترین نحو ممکن. دیپلماسی فرهنگی می تواند از راههای پایدار، دقیق و گسترده زمینه ساز ارتقاء سطح امنیت ملی یک کشور را نیز فراهم آورد. در تاریخ معاصر دیپلماسی فرهنگی اغلب به معنی یک سیاست ملی مشخص برای حمایت از صدور نمونه های فرهنگ یک ملت برای پیشبرد اهداف سیاست خارجی قلمداد می شود (Zamorano, 2016:169). درک دیپلماسی فرهنگی برای یک کشور این امکان را فراهم میکند که بتواند فرهنگ، جامعه و مردم خود را به سایرین معرفی کند و از طریق افزایش ارتباطات خصوصی بین مردم کشورهای گوناگون، کشورها را قادر می سازد تا ایده آل های سیاسی و سیاست هایشان را برای افکار عمومی جذاب و قابل توجه کنند. در جهان کنونی که ارتباطات و تعاملات شدت رو به افزایش است دیگر نمی توان فرهنگ را زیر مجموعه سیاست دانست، بلکه باید گفت این فرهنگ

است که بسترهای لازم را برای سیاست فراهم می‌آورد (Pan, 2013:879) در همین چارچوب، دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در صدد معرفی، ترویج و انتشار عناصر، ارزش‌ها و ابعاد فرهنگ و تمدن ایرانی-اسلامی و گفتمان انقلاب اسلامی به سایر ملت‌ها و کشورهای همسایه و جهان از قبیل افغانستان از طریق به کارگیری ابزارهای فرهنگی مناسب در آن جوامع و کشورهای هدف است. دیپلماسی فرهنگی ایران متضمن تبیین، ترویج، معرفی و گسترش مؤلفه‌ها، عناصر، ارزش‌ها و ابعاد فرهنگ و تمدن مشترک ایرانی-اسلامی به افغانستان از طریق به کارگیری ابزارهای فرهنگی مناسب در آن کشور است. جذب مهاجران افغانستانی یک عنصر بادوام در زمینه پیشبرد اهداف دیپلماسی عمومی از طریق ایجاد جذبه و قدرت اقناع به شمار می‌رود.

بنابراین افزایش ارتباطات فرهنگی مابین دو کشور از طریق جذب فرهنگی مهاجران در تقویت قدرت نرم آن کشورها و پیشرفت دیپلماسی فرهنگی شان نقش بسیار تاثیر گذاری دارد. کشوری که خط سیر فکری و فرهنگی مشابهی با کشوری دیگر پیدا کند میتواند متحد خوبی در گفتمان‌های سیاسی و نظامی برای آن کشور باشد (نجف‌بیگی و حسین-زادگان، ۱۳۹۰: ۴۷)

سینما و تلویزیون و دیگر تولیدات تصویری نقش مهمی در گسترش افکار، رفتار، ارزش‌ها و باورها در بین مخاطبان و عموم مردم دارند و این موضوع را می‌توان به صورت مستقیم و غیر مستقیم با تعداد مخاطبان آن ارزیابی کرد. گسترش و بهبود سطح کمی و کیفی آثار تصویری تأثیر بسزایی در رشد ابعاد فکری، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و نیز انتقال فرهنگی جامعه خواهد گذاشت. ایران از جمله کشورهایی است که سابقه غنی در صدا و سیما و ادبیات دارد و به دلیل یکسانی زبانی و اشتراکات عمیق

فرهنگی که با افغانستان داشته است، از دیرباز مورد توجه شهروندان افغانستانی قرار گرفته است. از طرفی صدا و سیمای افغانستان به دلیل مشکلات عدیده‌ای که در سالهای گذشته داشته، تولیدات سینمایی ایران توانسته است مخاطبان زیادی در افغانستان به خود جذب کند و بدون شک در صورت ارتقای کمی و کیفی محصولات توجه مخاطبان بیشتری را به خود جلب خواهد کرد. پخش سریال‌های ایرانی در برخی تلویزیون‌ها و بازار داغ تأثیرگذاری این سریال‌ها در جریان مناسبت‌هایی مانند ماه محرم و ماه رمضان، محسوس و قابل توجه است. علت جذابیت فیلم های سینمایی و سریالهای تلویزیونی ایرانی در افغانستان، عمدتاً هم فرهنگی، هم دینی، هم زبانی است (بشیر و کشانی، ۱۳۹۸: ۱۷) از طرفی حضور مهاجران افغانستانی در دهه های اخیر در ایران از مهمترین دلایل علاقمندی مردم افغانستان به برنامه ها و سریال های ایرانی است. مهاجران افغانی که با برنامه ها، فیلم ها و سریال های ایرانی خو گرفته‌اند، پس از بازگشت دایم یا موقت به وطن خویش نیز این علاقه مندی را پیگیری میکنند و سایرین را نیز ترغیب به دیدن آن می‌نمایند. سریال‌های ایرانی که در جریان ماه‌های رمضان و محرم پخش می‌شود، اکثراً سریال‌های عقیدتی است که با فرهنگ اسلامی و زبان افغانستانی نیز همخوانی دارد. (بشیر و کشانی، ۱۳۹۸: ۲۱)

ظرفیت های اقتصادی مهاجران افغانستانی

بهبود شاخص های اقتصادی یک کشور از جمله مهمترین شاخصه های قدرت نرم آن کشور محسوب میشود. نزدیکی جغرافیایی و فرهنگی بین افغانستان و ایران و روابط گسترده بین دو کشور باعث گسترش روابط تجاری بین این دو شده است و امکان هم افزایی اقتصادی را برای هر دو کشور افزایش داده است.

پس از سرنگون شدن طالبان و حضور نظام سیاسی جدید در راس قدرت افغانستان، روابط تجاری افغانستان و ایران پیشرفت چشمگیری داشته است. این روابط تاکنون بیشتر شامل صادرات ایران به افغانستان بوده است اما افغانستان نیز با صدور مواد خام متعدد به ایران از مزایای این رابطه برخوردار شده است. بنا بر اعلام دبیر شورای اطلاع رسانی گمرک ایران، عمده ترین صادرات ایران به افغانستان شامل مصالح ساختمانی، مواد سوختی، شوینده‌ها، لوازم پزشکی، مواد غذایی و لوازم خانگی است و عمده ترین صادرات افغانستان به ایران غلاتی چون ماش، میوه‌جات خشک مثل گردو، بعضی از میوه‌جات تازه، دانه‌های روغنی و سنگ‌های معدنی است. (انستیتو مطالعات استراتژیک افغانستان، ۱۳۹۷)

اداره آمار افغانستان اعلام کرده است که ایران با صدور کالای به ارزش یک میلیارد و ۲۴۷ میلیون دلار به این کشور، مقام اول را در کشورهای صادر کننده کالا و خدمات به این کشور دارد. ایران، اولین کشور صادر کننده به افغانستان است و پس از آن به ترتیب چین و پاکستان و بعد از آن کشورهای ازبکستان، قزاقستان و ترکمنستان نیز هر کدام سالانه مبالغ قابل توجهی به افغانستان کالا صادر کرده‌اند (نجفی، ۱۳۹۸: ۱۷۸)

بر اساس گزارش اداره آمار افغانستان؛ ارزش صادرات کالا و خدمات این کشور در سال ۱۳۹۸ خورشیدی یک و نیم میلیارد دلار بوده است. خدمات صادر شده عمدتاً شامل حمل و نقل، استفاده از حریم هوایی و زمینی افغانستان، خدمات گردشگری، خدمات مالی و ساختمانی بوده است که در مقایسه با سال گذشته ۱,۳ درصد کاهش یافته است. بیشترین میزان صادرات افغانستان میوه خشک است که ارزشی بالغ بر ۳۰۲ میلیون دلار دارد. بعد از آن گیاهان طبی، میوه تازه، سبزیجات و قالی از مهمترین اقلام صادراتی افغانستان هستند (نجفی، ۱۳۹۸: ۱۸۴) مهاجرین افغانستانی، به عنوان افرادی که مدت‌های مدیدی در ایران

زندگی کرده و از کالاهای ایرانی بهره میبردند، میتوانند مبلغین و بازاریابان خوبی برای کالاها و خدمات ایران در کشور خودشان و فروشندگان خوبی برای کالاهای افغانستانی در داخل ایران باشند. بیش از ۱,۵ میلیون مهاجر افغانستانی که به صورت قانونی یا غیرقانونی در ایران حضور دارند میتوانند زمینه صادرات کالاهای ایرانی به افغانستان و کالاهای افغانستان به ایران را فراهم کنند. سید حسین سلیمی رییس اتاق بازرگانی ایران- افغانستان در این زمینه اعتقاد دارد: " افغانستانی هایی که مدتی در ایران ساکن بودند و سپس به کشور خود بازگشته اند به این کالاها عادت کرده اند لذا کالاهای مصرفی و غذایی در صدر کالاهای صادراتی ایران و افغانستان قرار دارد" سید مجتبی موسویان ریزی معاون توسعه بازارهای صادراتی ایران در سازمان توسعه تجارت در مصاحبه با نگارنده نیز در مصاحبه ای بیان کرده است: " نقش مهاجران در توسعه تجارت بین کشور مبدا و مقصد مهاجرت انکارناپذیر است. آنچه باعث شده تا عراق و افغانستان در بین همسایگان بی شمار ایران جزو ۵ وارد کننده اصلی کالاهای ایرانی باشند به حضور مهاجران این کشورها در ایران و شبکه ارتباطی گسترده شان با ایرانی ها برمی گردد. البته باید توجه کرد که در مورد این دو کشور مهاجرت عامل ثانویه ای است که به واسطه اشتراکات مذهبی، فرهنگی، تاریخی، زبانی و تمدنی تاثیر آن در توسعه تجارت تشدید شده است. علاوه بر این می توان به حضور ایرانیان در امارات و تاثیر آن در توسعه تجارت با این کشور نیز اشاره نمود. در نقطه مقابل اما بر خلاف این ۳ کشور، ایران از بازار ۶۰ میلیارد دلاری پاکستان نصیب چندانی نبوده است که به نظر دلیل آن عدم حضور قابل توجه شهروندان دو کشور در خاک یکدیگر و فقدان شبکه ارتباطی منسجم است" (جستیارزاده، ۱۳۹۹: ۳)

با این حال در طول سالهای اخیر به سبب بسته بودن برخی از بازارچه های مرزی صادرات کالا بین دو کشور با مشکلاتی مواجه بوده است. بازارچه های گلورده، دوکوهانه، یزدان و ماهیرود در خراسان جنوبی و بازارچه های دوغارون و ملک در خراسان رضوی و سیستان و بلوچستان، بازارچه های مرزی بین ایران و افغانستان هستند که از ۴ بازارچه خراسان جنوبی، تنها بازارچه ماهیرود فعال است و ۳ بازارچه دیگر ۶ سال است تعطیل هستند (خبرگذاری صدا و سیما، ۱۴۰۰). وجود بازارچه های مرزی در کشور به ویژه در خراسان جنوبی و سیستان و بلوچستان برای شهرستان های مرزی بسیار با اهمیت است. راه اندازی مجدد این بازارچه ها می تواند در توسعه و رونق اشتغال جوانان کمک کند. خراسان جنوبی، خراسان رضوی و سیستان و بلوچستان از استان های مرزی کشور هستند که در سالهای اخیر به خاطر خشکسالی و عدم اشتغال ثابت برای روستاییان مرزی، شاهد مهاجرت سکنه آن بوده ایم. بدون شک یکی از راه هایی که می تواند سبب جلوگیری از وقوع این اتفاق شود رونق یافتن بازارچه های مرزی است. مهاجران افغانستانی مقیم در این استانها به واسطه آشنایی با سیستم ایران و افغانستان می توانند در صورت بازگشایی، رونق بازارچه های مرزی را تسهیل کنند و باعث تسهیل روابط و مناسبات اقتصادی و فرهنگی دو طرف شوند.

علاوه بر این در شرایط امروزی که ایران به شدت زیر پوشش تحریم های آمریکا و غرب قرار گرفته است، مقامات ارشد جمهوری اسلامی ایران از افغانستان به عنوان راه کمکی برای مقابله و دور زدن تحریم ها استفاده میکنند. چنین همکاری بین ایران و افغانستان در بهبود وضعیت اقتصادی هر دو کشور تاثیر مثبتی داشته است. زیرا ایران از طریق افغانستان وجه نقد، مواد معدنی و کالاهای با ارزش مورد نیاز را وارد کشور میکند و در عوض از افغانستان حمایت و پشتیبانی مالی و سیاسی میکند (تابناک، ۱۴۰۰).

علاوه بر اینها و بر خلاف برداشت بسیاری از افراد، افغانستان کشوری غنی با فاصله طبقاتی بسیار است. حدود ۱۰٪ از مردم این کشور سرمایه قابل توجهی در اختیار دارند و تمایل به سرمایه گذاری در سایر کشورها دارند. به دلیل وجود محدودیت های متعددی که در ایران برای این سرمایه گذاران وضع شده است، این افراد تا کنون عمدتاً سرمایه خود را در کشورهای عربستان سعودی، امارات و کشورهای اروپایی صرف کرده اند. در حالیکه طبق بررسی های صورت گرفته تمایل بالایی در بین سرمایه داران این کشور به سرمایه گذاری در ایران وجود دارد. به گفته عبدالرحیم کردی مدیرعامل منطقه آزاد چابهار هم اینک حدود ۲۰۰ شرکت ثبت شده افغانستانی در چابهار فعالیت دارند (ایرنا، ۱۳۹۹). باید در نظر داشت یکی از بهترین راهها برای هم افزایی توان اقتصادی و استفاده از ظرفیت های دو کشور، هموار سازی راههای سرمایه گذاری و ورود سرمایه از افغانستان به ایران است (عباسی، ۱۳۹۱: ۲۰۸).

افغانستان کشوری محصور در خشکی است که به آبهای آزاد دسترسی ندارد و تا کنون انتقال کالا به این کشور از طریق بندر کراچی پاکستان انجام میشود. با توجه به اینکه در طول دهه های گذشته روابط خصمانه ای بین این دو کشور برقرار بوده است، پاکستان از فرصت بندر کراچی به عنوان اهرم فشاری برای تحقق اهدافش در افغانستان استفاده میکند. علاوه بر این یکی از اصلی ترین شرکای تجاری افغانستان، هندوستان است و رابطه تنش آلود هند و پاکستان سالهاست که جریان دارد. بنابر این افغانستان در جهت یافتن راهی جایگزین به بندر چابهار ایران چشم دوخته است.



شکل ۲ مسیر دسترسی افغانستان به آبهای آزاد از طریق ایران. منبع: (چستیارزاده، ۱۳۹۹)

یافته های اداره زمین شناسی ایالات متحده آمریکا برآورد کرده است که با وجود اینکه افغانستان هم اکنون کشوری فقیر محسوب میشود، دارای معادن غنی از ۶۰ میلیون تن مس، ۲/۲ میلیارد تن آهن و ۱/۴ میلیون تن دیگر عناصر کمیاب با ارزش کلی ۱ تا ۳ تریلیون دلار است که به دلیل عدم اتصال به آب های آزاد و کشورهای توسعه یافته، دست نخورده باقی مانده است (چستیارزاده، ۱۳۹۹: ۳). بنابر این دسترسی به بندر چابهار فرصت بسیار خوبی برای شکوفایی اقتصادی افغانستان فراهم خواهد کرد. این موضوع باعث میشود افغانستان از اقتصاد وابسته به کشت تریاک عبور کرده و به سمت اقتصاد مدرن پیش برود. ایران بزرگترین مصرف کننده تریاک در جهان است. تمامی این محصول از افغانستان به ایران وارد میشود و قطع روند تولید خشخاش در افغانستان تاثیر بسیار مهمی در کاهش اعتیاد در ایران و سراسر کشورهای جهان دارد. منابع مالی که از استخراج معادن، صادرات مواد خام و مواد معدنی دیگر نظیر آهن و آلومینوم برای افغانستان به ارمغان آورده میشود می تواند تاثیرات شگرفی بر جامعه، اقتصاد و

سیاست افغانستان بر جای بگذارد. علاوه بر این توسعه معادن و اقتصاد در افغانستان بر جذابیت این کشور برای سرمایه گذاران خارجی می افزاید.

مهاجران افغانستانی حاضر در ایران امروزه به دو دسته تحصیلکرده و یا ماهر و کارگر ساده تقسیم میشوند. اگر قرار باشد روابط تجاری، سیاسی ایران و افغانستان گسترش یابد، مهاجران افغانستانی تحصیلکرده و ماهر که با فرهنگ جامعه ایرانی به خوبی آشنا شده اند میتوانند در توسعه روابط و گسترش ریزنی ها نقش کلیدی و تاثیر گذاری ایفا کنند. از طرفی راه اندازی مسیرهای مواصلاتی افغانستان و ایران به نیروی کار ارزان قیمت بسیاری نیاز دارند که مهاجران و کارگران ارزان قیمت افغانستانی میتوانند در راه ساخت این مسیر ها به کار بسته شوند.

ظرفیت های فردی-اقتصادی مهاجران افغانستانی

آبهی جیت بنرجی^۱ و استر دوفلو^۲ که در سال ۲۰۱۹ برنده جایزه نوبل اقتصاد شدند بر اثر شواهدی حضور مهاجران در بازار کار کشورهای مختلف، اثبات می کنند که مهاجران تاثیر منفی اقتصادی بسیار کمی بر جمعیت بومی میگذارند. این دو دانشمند علوم اقتصادی دلایل زیر را برای اثبات ادعا مطرح میکنند (Banerjee & Duflo, 2019:38)

≠ افزایش گروه جدید مهاجران، تقاضا برای کالا و خدمات را بیشتر کرده و منجر به رونق اقتصاد محلی میشود.

≠ افزایش تقاضای گروه مهاجران، فرصت های جدید شغلی به وجود می آورد که نیاز بازار به نیروی کار را بیشتر کرده و اثر اشباع بازار کار توسط مهاجران را خنثی مینماید.

¹ Abhijit Banerjee

² Esther Duflo

- ≠ کارگران مهاجر ارزان قیمت سرعت فرآیند ماشینی شدن را در بسیاری از مشاغل کاهش می‌دهد و امکان فرصت‌های شغلی برای سایر کارگران را بیشتر میکنند.
- ≠ کارگران مهاجر ممکن است مهارت‌های جدیدی را به کشور مبدا وارد کنند و با راه‌اندازی کارگاه‌های تولیدی برای بومی‌ها ایجاد اشتغال کنند.
- ≠ کارگران مهاجر از همان ابتدا نسبت به جمعیت عادی جامعه خود توانمندی‌های جسمی و ذهنی برتری داشته‌اند و سخت‌کوش‌تر بوده‌اند که حاضر شده‌اند سختی مهاجرت را به جان بخرند و در کشور دیگری با جدیت کار کنند. بنابراین این علاوه بر اینکه نیروی کار بسیار با ارزشی برای کشور مبدا محسوب میشوند، در بلندمدت به احتمال زیاد فرزندان تربیت خواهند کرد که از نظر ژنتیکی و سخت‌کوشی مانند خودشان بوده و مهارت‌های جدید والدین را نیز کسب کرده باشد. به عنوان مثال، پدر استیو جابز (عبدالفتاح جندلی) مهاجری از سوریه، الکساندر گراهام بل، مخترع تلفن از اسکاتلند؛ جف بزوس، خالق آمازون از کوبا و سرگئی برین، خالق گوگل یک مهاجر روسی بوده است.
- ≠ از آنجا که عمدتاً مهاجران نسبت به شهروندان بومی جوان‌تر و معمولاً شاغل هستند، سود خالصی برای درآمد دولت دارند. افراد شاغل مالیات بر درآمد پرداخت می‌کنند، اما مزایایی مانند تحصیلات و حقوق بازنشستگی دریافت نمی‌کنند.
- ≠ جوانان نسبت به افراد مسن کمتر از خدمات بهداشتی استفاده می‌کنند بنابراین این هزینه بهداشتی درمانی کمتری به دولت تحمیل میکنند.
- مهاجرت خالص منجر به رشد اندازه نیروی کار و افزایش ظرفیت تولید اقتصادی خواهد شد. علاوه بر این مهاجرت منجر به رشد اقتصادی بالاتر همراه با افزایش درآمد مالیاتی و

درآمدهای دولت می شود که همگی در برآورد قدرت نرم کشور نقش حیاتی ایفا میکنند. نیروی انسانی، سازمانهای تولید کننده و سرمایه های مادی و معنوی سه عنصر مهم در رسیدن به تولید کالا و خدمات هستند. بین این سه مهمترین عنصر که نقش هماهنگ کننده بین سایر عناصر را نیز بر عهده دارد، نیروی انسانی است. منابع انسانی و کارگران مهمترین عامل هستند و موظفند در یک بنگاه اقتصادی با استفاده از سازمان های تولید کننده و سرمایه بیشترین بهره وری را ایجاد کنند. سرمایه انسانی ارزشمندترین و مهمترین سرمایه ای است که هر کشوری دارد. نتیجه سود و زیان سازمان ها توسط سرمایه انسانی سازمان رقم زده میشود. این سرمایه در اثر استفاده بهینه، نه تنها کاهش نمی یابد بلکه توانمندتر و قدرتمند تر به کار خود ادامه میدهد (سلیمی فر، شعبانی و ذبیحی، ۱۳۸۸: ۱۷). مطالعات بیان میکنند که جوامعی میتوانند مسیر توسعه را به درستی طی کنند که علاوه بر منابع و ذخایز طبیعی و سرمایه های مادی و فیزیکی، منابع انسانی قابل داشته باشند؛ تجربه چین و هند و سایر کشورها نشان میدهد که در سالهای اخیر کشورهایی که منابع انسانی غنی دارند و یا بر نیروی منابع انسانی خود به صورت اصولی تکیه کرده اند به خوبی توانسته اند رشد کنند. تجارب سایر کشورها نشان میدهد که چطور نیروی کار ارزان، چه مهاجر باشند و چه غیر مهاجر در سازندگی و بالندگی کشورها نقش تاثیر گذار دارند.

آلمان پس از جنگ جهانی دوم با کمبود شدید نیروی کار مواجه شد. به همین دلیل قرارداد هایی برای تامین "کارگر مهمان" با کشورها همجوار و نزدیک به خود یعنی ایتالیا، اسپانیا، یونان، ترکیه و یوگوسلاوی سابق امضا کرد که باعث شد خیل عظیمی از کارگران ترک به آلمان بیایند و شروع به ساخت و ساز نمایند. کارگران ترکیه ای حاضر بودند در ازای دریافت دستمزدی بسیار کمتر از دستمزد کارگران آلمانی کار کنند آلمان توانست

ظرف دو دهه، یعنی تا سال ۱۹۷۳ به رشد و بالندگی که میخواست برسد (Diefendorf, 1993:119)

ژاپن از جمله سایر کشورهایی است که پس از جنگ جهانی دوم تخریب قابل ملاحظه ای را شاهد بوده است. دو شهر هیروشیما و ناکازاکی پس از حمله آمریکا با بمب اتم با خاک یکسان شده بودند. ژاپن در جریان جنگ نزدیک به ۲,۵ میلیون سرباز از دست داده بود و جمعیت آن از ۱۲۷ میلیون نفر به ۷۲ میلیون نفر رسیده بود. برای سازندگی مجدد ژاپن خیل عظیمی از کارگران مهاجر ارزان از کشورهای مختلف اعم از ایران به ژاپن رفتند و این کشور توانست ظرف مدت کوتاهی مجدداً به رشد و توسعه یافتگی مناسب برسد. امروزه ژاپن با داشتن تولید ناخالص داخلی به میزان ۵ تریلیون دلار سومین قدرت اقتصادی دنیا (پس از آمریکا و چین) است (Tsurumi, 2015:89).

رونق اقتصادی در چین از حدود چند دهه قبل آغاز شد. پیش از آن چین در گیر فقر و بیکاری گسترده در سراسر کشور بود. جمعیت این کشور نزدیک به ۱,۳ میلیارد نفر بود و دولت توان پاسخگویی به وضعیت معیشتی ملت را نداشت. بنابراین چین برای رسیدن به رشد و توسعه، شروع به تولید کالاهایی با کیفیت نه چندان خوب ولی ارزان قیمت کرد. رمز تولیدات ارزان چین در کارگران و نیروی انسانی بسیار ارزان مشغول به کار در کارخانه ها و تولیداتی های این کشور بود. بدین سبب ظرف مدت کوتاهی چین خود را به بزرگترین صادر کننده کالا در جهان و دومین قدرت اقتصادی دنیا تبدیل کرد (Kalathil, 2017:116)

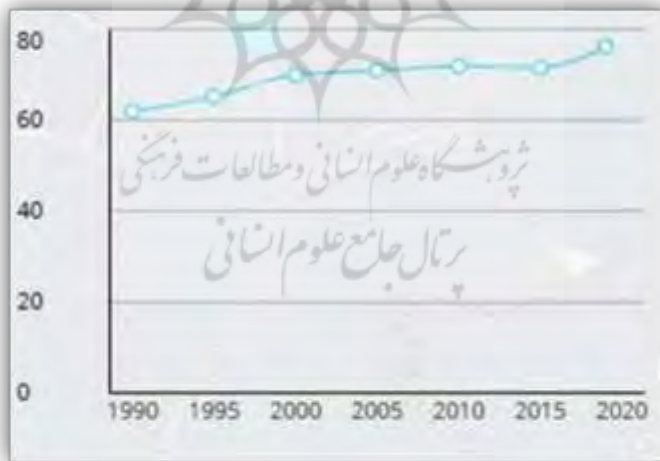
تجربه جهانی نشان داده است که مهاجران غالباً با اندوخته ثروت اندک وارد می شوند، بنابراین انگیزه بیشتری برای تلاش برای ساختن زندگی برای خود دارند. همچنین، مطالعات نشان داده است که افرادی که مایل به ترک کشور خویش و کار در کشور خارجی هستند،

بلندپروازترین و مایل به ریسک ترین افراد کشور هستند و در نتیجه تلاش و دقت بالایی در انجام وظایفشان به خرج می دهند. مهاجران جوان و متحرک غالباً کارآفرین نیز هستند و توانایی این را دارند که محصولات نوآورانه ایجاد کنند. اقتصاد آمریکا نمونه ای از مهاجرت مهاجران خلاق و کارآفرین به آمریکا و تأسیس شرکتهای کلاسیک آمریکایی بوده است - که منجر به افزایش کیفیت زندگی در سراسر آمریکا شد.

کارگران افغانستانی مهاجر ساکن در ایران حاضر به انجام کارهایی سخت با دستمزد پایین هستند. کارهایی که عمدتاً کارگران ایرانی حاضر نیستند با چنین دستمزد هایی به انجام آن پردازند. آمارهای رسمی و غیر رسمی بیان میکنند که نرخ بیکاری در افغانستان به ۴۰ درصد میرسد (AfghanistanNews, 2020:1) ولی در ایران کمتر مهاجر افغانستانی را میتوان یافت که به شغلی اشتغال نداشته باشد. در حالیکه در سال ۱۹۹۰ حدود ۶۱,۹ درصد از مهاجران حاضر در ایران در سن کار بودند، در سال ۲۰۱۹ این موضوع روندی افزایشی داشته است و در حدود ۷۶,۲ درصد از جمعیت مهاجران حاضر در ایران در سن کار بودند. باید دانست که با توجه به تجربه حاصل از رشد و توسعه کشورهای توسعه یافته، استفاده از نیروی انسانی ارزان قیمت، یکی از اصلی ترین رموز پیشرفت و توسعه در مدت زمان کوتاه است. بنابراین میتوان از سرمایه کارگران افغانستانی ارزان در کشور استفاده نمود و مسیر ساخت و ساز و توسعه را با سرعت هرچه تمام تر در نوردید. علاوه بر این بعضی از مشاغل معمولاً به دلیل پایین بودن دستمزد و یا اعتبار و منزلتی که برای این نوع کارها وجود دارد، مورد استقبال کارگران بومی قرار نمیگیرند. مهاجرت کارگران انعطاف پذیر افغانستانی به کارفرمایان کمک میکند که جای خالی نیروی کار برای چنین مشاغلی را پر کنند. همچنین، اگر مشاغل کم مهارت توسط مهاجران

اجرا شود، کارگران بومی قادر می‌شوند تا کارهایی که نیاز به مهارت بیشتر داشته و دستمزد بهتری دارد را بر عهده بگیرند. از طرفی در دراز مدت نیروی مهاجر افغانستانی نیز در ایران دانش و مهارت های لازم را به دست می‌آورند و میتوانند با بازگشت به کشور خود در رونق، آبادانی و توسعه کشورشان نقش تاثیر گذاری داشته باشند

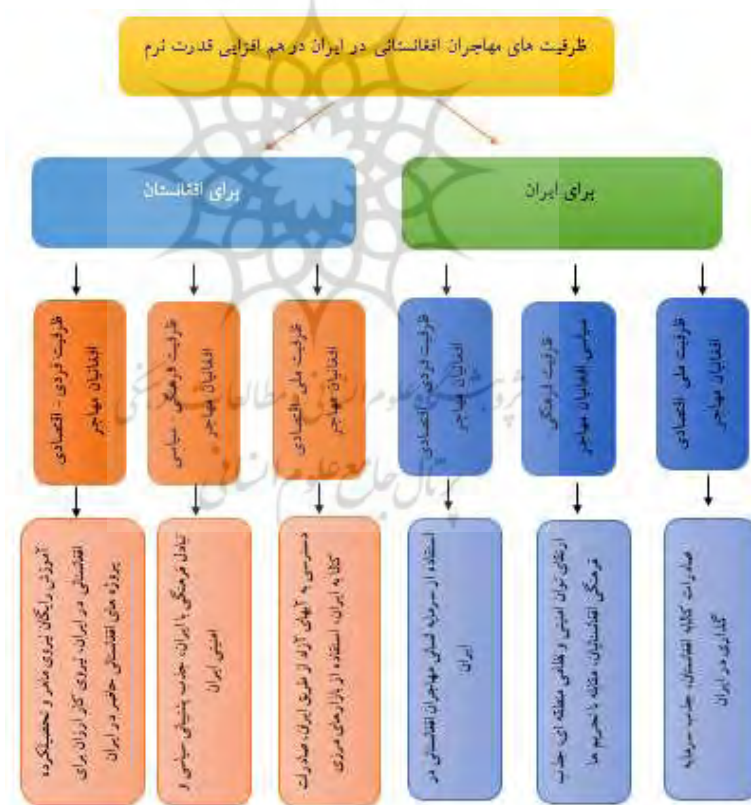
علاوه بر این، نسل دوم و سوم مهاجران افغانستانی در ایران، در کنار سایر دانش آموزان ایرانی به تحصیل پرداخته و جامعه پذیر شده اند. امروزه حدود ۷۰ درصد نسل دوم و سوم مهاجران افغان مقیم ایران تحصیل کرده هستند و بسیاری از آنها علاوه بر آموزش تعالیم مدرسه به آموزش مهارت هایی همچون خیاطی، بنایی، نقاشی، مکانیکی، آشپزی، و غیره پرداخته اند و نه تنها در امور تحصیلی ظرفیت های قابل توجهی دارند، در مشاغل یدی نیز بسیار ماهر و توانمند هستند. بنابراین میتوان از این ظرفیت نیروی انسانی نسل دوم و سوم افغانستانی های مقیم ایران در بازار کار ایران به خوبی بهره برد (صادقی، ۱۳۹۶: ۳)



شکل ۳ روند مهاجران سن کار حاضر در ایران منبع: (سعادتی، ۱۳۹۹)

از طرفی یکی از نگرانی های جمهوری اسلامی ایران کاهش نرخ زالد و ولد در ایران است و پیش بینی میشود در آینده ایران تبدیل به یک کشور پیر گردد که نرخ زاد و ولد پایین و افزایش جمعیت آن باعث افزایش نسبت وابستگی مشود (افزایش نسبت کارگران پیر به جوانان). این امر مراقبت های بهداشتی اجتماعی، در آمد و هزینه های دولت را با مشکل مواجه میسازد(میری، مداح وراغفر،۱۳۹۸: ۲۸۷). پذیرش مهاجران موثرترین سیاست برای مقابله با سالخوردگی جمعیت است، زیرا اجازه می دهد کمبودهای مراقبت های بهداشتی و اجتماعی با کارگران جوانی که سهم خالصی در افزایش درآمد دولت دارند و نیروی کار را تقویت می کنند، پر شود.

مدل نظری تحقیق



نتیجه گیری

مهاجرت مردم افغانستان به ایران پدیده ای است که در طول دهه های گذشته به شدت گسترش یافته است و افغانستانی ها بیشترین تعداد مهاجران ساکن ایران را تشکیل میدهند. مهاجرت افغان ها به ایران پیامدهای متعددی به دنبال داشته است که از جمله آنها میتوان به پیامدهای اقتصادی و اجتماعی مهاجران افغانستانی بر کشور ایران اشاره کرد. مهاجرت میلیونها افغان به کشور، تناسب بین نیروی کار و فرصتهای شغلی ایجاد شده در ایران را بر هم زده است و تعداد فرصت های شغلی برای جمعیت بومی کشور کاهش یافته است. رفت و آمد این مهاجران به افغانستان، احتمال ورود کالاهای قاچاق بویژه تریاک و مواد مخدر را افزایش داده است و بزهکاری و رفتارهای مجرمانه در نواحی مهاجر نشین افزایش یافته است.

با این حال با مدیریت و برنامه ریزی صحیح میتوان از حضور مهاجران افغانستانی در کشور، به عنوان یک فرصت برای افزایش توان اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی هر دو کشور بهره گرفت و از آنجا که افزایش توان اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و ... هر کشور از شاخصه های افزایش قدرت نرم یک کشور است، با چنین فرصت سازی قدرت نرم هر دو کشور را ارتقا داد. حضور نیروی کار ارزان افغانستانی اگر به خوبی مدیریت شود میتواند منجر به رونق تولید و در نتیجه پیشرفت اقتصادی کشور گردد و با توجه به حجم بالای نیروی کار ماهر و تحصیلکرده در کشور باعث میشود نیروی کار ماهر ایرانی بجای اشتغال در شغل هایی که به مهارت کمتری نیاز دارند، نیروی خود را صرف امور تخصصی نمایند. از طرفی در دراز مدت نیروی مهاجر افغانستانی نیز در ایران به کسب دانش و مهارت های لازم اقدام میکنند و میتوانند با بازگشت به کشور خود در رونق، آبادانی و توسعه کشورشان نقش تاثیر گذاری داشته باشند. داشتن زبان و

فرهنگ مشترک سهم مهمی در انتقال و انطباق ظرفیت هاب دو کشور و تحکیم پیوندهای اقتصادی، فرهنگی و برادری دو ملت را در پی دارد.

گسترش مناسبات تجاری بین دو کشور منجر به افزایش رونق اقتصادی هر دو کشور خواهد بود. از جمله راههای گسترش چنین مناسباتی، افزایش صادرات و واردات بین دو کشور، دسترسی افغانستان به آبهای آزاد جهانی از طریق بندر چابهار و دور زدن تحریم های بین المللی ایران از طریق افغانستان است. مهاجران افغانستانی میتوانند در این زمینه ها نقش تسهیل گری داشته باشند.

بنابر این برخورد و استفاده مناسب از ظرفیت های مهاجران افغانستانی ساکن ایران میتواند در تحکیم روابط بین ایران و افغانستان و افزایش قدرت نرم هریک تاثیر گذاشته و جایگاه هر دو کشور را در سطح منطقه و بین المللی بهبود می بخشد. افزایش ارتباط بین دو کشور از طریق مهاجران، میتواند در بهبود صادرات و واردات هر دو کشور و پیشرفت اقتصادی شان تاثیر مثبتی داشته باشد. ارتقای روابط دوستانه بین دو کشور در افزایش توان نظامی و امنیتی هریک از کشور ها سهم قابل توجهی دارد و میتواند به عنوان یک سپر دفاعی در مقابل دشمنان عمل کند. استفاده از چنین ظرفیتی نیازمند برنامه ریزی های دولتی و کشوری مناسب و اقدامات دولتی هر دو کشور است تا بتوان تهدیدها را به فرصت تبدیل کرد و قدرت نرم کشور ها را ارتقا داد.

نتایج این پژوهش میتواند سیاستمداران و برنامه ریزان حاکمیتی را در راستای استفاده صحیح از ظرفیت های بالقوه مهاجران افغانستانی یاری رساند. پیشنهاد میشود در مطالعات آتی دلایل موفقیت یا عدم موفقیت جمهوری اسلامی ایران و افغانستان در استفاده از ظرفیت های مهاجران افغانستانی حاضر در ایران مورد کاوش قرار گیرد.

منابع

- (۱) احمدی مقدم، اسماعیل (۱۳۸۶). «استراتژی نیروی مقاومت بسیج در جنگ آینده»، رساله دکتری، د.ا.ع.
- (۲) انستیتو مطالعات استراتژیک افغانستان (۱۳۹۷)، تحلیل استراتژیک بندر چابهار - روابط افغانستان، ایران و هند، کابل
- (۳) ایرنا (۱۳۹۹). "بسترهای سرمایه‌گذاری فعالان اقتصادی افغانستان در چابهار فراهم است"، ۲۶ مرداد ۱۳۹۹، کد خبر ۸۳۹۰۹۹۴۶
- (۴) بشیر، ح.، و کشانی، م. ج. (۱۳۹۸). "ارتباطات میان فرهنگی افغان های مقیم ایران با ایرانیان بر پایه نظریه هم فرهنگی". فصلنامه علمی مطالعات میان فرهنگی، ۱۴(۴۱)، ۹-۳۰.
- (۵) تابناک (۱۴۰۰). افغانستان مسیر جدید ایران برای دور زدن تحریم ها. برگرفته از : tabnak.ir/001DzH
- (۶) جستیارزاده، اح (۱۳۹۹). گسترش تجارت ایران و افغانستان: حرکت در مسیری نو. برگرفته از: <http://diaran.ir/> - ایران - افغانستان
- (۷) حسینی، س. م.؛ باصری، ب و عباسی، غ. (۱۳۹۷). آسیب‌شناسی چگونگی اثرگذاری فشار عرضه مهاجران افغانستانی بر بیکاری در ایران. پژوهشنامه اقتصادی، ۱۸(۷۰)، ۲۴۳-۲۰۹. doi:10.22054/joer.2018.9565
- (۸) جان‌پرور، م؛ صالح آبادی، ر؛ نادری، چ و زکیه. (۱۳۹۷). تبیین جایگاه قدرت نرم در افزایش نفوذ سیاسی ایران در افغانستان مورد: همکاری های علمی ایران-افغانستان. پژوهش های جغرافیای سیاسی، ۳(۴)، ۱۵۷-۱۲۹.
- (۹) خبرگزاری صدا و سیما (۱۴۰۰). بازارچه‌های مرزی، درانتظار پایان پاسکاری مسئولان برای بازگشایی (۱۰) برگرفته از <https://www.iribnews.ir/00CtKB>
- (۱۱) دهقان‌هامانی. (۱۳۹۰). بررسی فاصله روانی- اجتماعی بین مردم ایران و مهاجرین افغان و تاثیر آن بر جرایم ارتكابی افغانها. (کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی)، دانشگاه پیام نور، مرکز تهران، گروه حقوق.
- (۱۲) سلیمفر، شعبانی و ذبیحی. (۱۳۸۸). نقش سرمایه انسانی در تولید صنایع استان خراسان شمالی (با تاکید بر صنایع رنگ). دانش و توسعه، ۱۶. ۱۰-۳۸
- (۱۳) سعادت، م (۱۳۹۹). آخرین آمارهای مهاجران در جهان. آمار ها و داده های ۲۷ آذر ۱۳۹۹. <http://diaran.ir/> - مهاجران - در - جهان

- ۱۴) صادقی. (۱۳۹۶). سرگردان میان هویت ایرانی یا افغانستانی! مصائب نسل دوم مهاجرین در گفت و گوی شفقنا با دکتر رسول صادقی Retrieved from <https://af.shafaqna.com/FA/253245>
- ۱۵) عباسی، ا. (۱۳۹۱). عناصر ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی محلی در توسعه روابط دوجانبه ایران و افغانستان. فصلنامه بین المللی ژئوپلیتیک، ۸(۲۷)، ۱۸۲-۲۱۵.
- ۱۶) عزیزی، پ. (۱۳۹۲). بررسی نقش مهاجرین افغانی بر ساختارهای اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و امنیتی شهرستان پاکدشت (کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی)، دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار
- ۱۷) عیسی زاده، س و مهرانفر، ج. (۱۳۹۲). تاثیر مهاجرین افغانستان بر سطح اشتغال و دستمزد در بخش ساختمان اقتصاد ایران. مطالعات و سیاست های اقتصادی (سیاست های اقتصادی-نامه مفید)، ۹(۱۹): ۹۹-۷۲
- ۱۸) کریمی موغاری، ز. (۱۳۸۳). تاثیر مهاجرین افغانی بر سطح دستمزد و اشتغال در ایران. پژوهشهای اقتصادی ایران، ۶(۱۸)
- ۱۹) کشاورز قاسمی، ح و نادرپور، ب. (۱۳۹۹). گونه شناسی هویتی پناهندگان نسل دوم و سوم افغانستانی در ایران (با تاکید بر استان قزوین). فصلنامه جغرافیا (برنامه ریزی منطقه ای)، ۹(۳)، ۱۱۷-۱۳۳.
- ۲۰) میرزائی، ح. (۱۳۹۶). بررسی انطباق تحصیلی مهاجران افغانستانی در ایران. پژوهشنامه مددکاری اجتماعی، ۴(۱۱)، ۴۳-۴۴. doi:10.22054/rjsw.2017.965084
- ۲۱) نجفبگی و حسینزادگان. (۱۳۹۰). جهانی شدن و تجارت کالاهای فرهنگی کشور. مطالعات راهبردی سیاستگذاری عمومی، ۲(۲)، ۷۲-۴۷.
- ۲۲) نجفی، م. ع. (۱۳۹۸). تولید ناخالص داخلی افغانستان بعد از سقوط طالبان. معارف اسلامی و اقتصاد، ۴(۸)، ۱۷۸-۲۰۷.
- ۲۳) یوردخانی، ش. (۱۳۹۱). بررسی تاثیر مهاجران افغان بر مسائل اقتصادی اجتماعی سیاسی شهرستان سمنان. (کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی)، دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار، ۱-۱۲۳
- ۲۴) امامی تاج الدین، س و جهانی، م (۱۳۹۸). تحلیل اثرات مهاجرت های بین المللی بر افزایش آسیب های اقتصادی و اجتماعی در جامعه میزبان (مطالعه موردی: مهاجران افغانستانی شهر مشهد). فصلنامه علمی دانش انتظامی خراسان رضوی، ۱۱(۴۴)، ۹۷-۱۲۳.
- ۲۵) موسوی، س.م؛ نادری، ا و فیاض، ا (۱۳۹۹). هویت و بازتعریف آن در نسل دوم مهاجران افغانستانی ساکن ایران. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تهران، کتابخانه دانشگاه علوم اجتماعی، شماره مدرک ۳۱۳۸۶۲

- ۲۶) میری، ن، مداح، م و راغفر، ح. (۱۳۹۸). اثر سالمندی جمعیت بر رشد اقتصادی ایران از کانال نرخ باروری و امید زندگی (رویکرد مدل نسل‌های همپوشان). فصلنامه رفاه اجتماعی، ۱۹(۷۴)، ۲۸۷-۳۲۴.
- 27) Adamson, F. B., & Tsourapas, G. (2019). Migration diplomacy in world politics. *International Studies Perspectives*, 20(2), 113-128.
- 28) Banerjee, A. V., & Duflo, E. (2019). *Good economics for hard times: Better answers to our biggest problems*. Penguin UK.
- 29) Brettell, C. B., & Hollifield, J. F. (2014). *Migration theory: Talking across disciplines*: Routledge.
- 30) Diefendorf, J. M. (1993). *In the wake of war: the reconstruction of German cities after World War II*: Oxford University Press.
- 31) Dustmann, C., Frattini, T., & Halls, C. (2010). Assessing the Fiscal Costs and Benefits of A8 Migration to the UK. *Fiscal Studies*, 31(1), 1-41.
- 32) Fazeli, Habib olla (2016), Ethnic Gap and Political Stability in Afghanistan, *Just Peace Diplomacy Journal*, vol12,25-42.
- 33) Grigg, D. B. (1977). EG Ravenstein and the "laws of migration". *Journal of Historical geography*, 3(1), 41-54.
- 34) Kalathil, S. (2017). *Beyond the great firewall: How China became a global information power*: Center for International Media Assistance Washington, DC.
- 35) Nye Jr, J. S. (2004). *Soft power: The means to success in world politics*: Public affairs.
- 36) Pan, S. Y. (2013). *Confucius Institute project: China's cultural diplomacy and soft power projection*. *Asian Education and Development Studies*. 875-897
- 37) Ravenstein, E. G. (1889). The laws of migration. *Journal of the royal statistical society*, 52(2), 241-305.
- 38) Tsurumi, K. (2015). *Social change and the individual: Japan before and after defeat in World War II*: Princeton University Press.
- 39) UNHCR. (2019). *Afghanistan refugee in Iran*. Retrieved from <https://www.unhcr.org/>
- 40) UNION-Migration. (2020). *world migration report 2020*. Retrieved from https://publications.iom.int/system/files/pdf/wmr_2020.pdf
- 41) Zamorano, M. M. (2016). Reframing cultural diplomacy: the instrumentalization of culture under the soft power theory. *Culture Unbound*, 8(2), 165-186.